



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بیت

بیت
میں
بیت

دکتر سید محمد بنی شامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیمان غدیر: بیعت با مهدی "عجل الله تعالی فرجه الشریف"

نویسنده:

محمد بنی هاشمی

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	پیمان غدیر: بیعت با مهدی "عجل الله تعالی فرجه الشریف"
۷	مشخصات کتاب
۷	پیشگفتار
۸	پیغام غدیر
۸	لزوم آشنایی با پیام غدیر و عمل به آن در همه زمانها
۹	حجّیت پیام غدیر برای همه انسان ها تا روز قیامت
۱۰	محتوای اصلی پیام: اعلام ولایت همه ائمه علیهم السلام تا قیامت
۱۳	پیمان گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مردم در روز غدیر
۱۵	لزوم پیمان بستن همه مخاطبان غدیر بر محتوای آن
۱۶	تجلی محتوای دقیق پیام غدیر در متن بیعت و پیمان
۱۷	پیمان بندگی
۱۷	معانی و شؤون مولی و عبد
۲۰	مراتب مولویت و عبودیت
۲۱	وظیفه مسلمانان در قبال امام زمان علیه السلام طبق دستور خدای متعال
۲۳	رابطه مولی و عبد
۲۵	امروز، غدیر
۲۵	عملکرد مسلمانان در قبال پیمان غدیر
۲۶	نتیجه سرپیچی از فرمان خداوند در غدیر
۲۹	لیبیک گفتن به دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در عید غدیر
۳۰	دعا بر تعجیل فرج در روز غدیر
۳۰	دعا برای مؤمنان در روز غدیر
۳۳	فهرست منابع

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۳۶

پیمان غدیر: بیعت با مهدی "عجل الله تعالی فرجه الشریف"**مشخصات کتاب**

سرشناسه: بنی هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۳۹ -

عنوان و نام پدیدآور: پیمان غدیر: بیعت با مهدی "عجل الله تعالی فرجه الشریف" / محمد بنی هاشمی.

مشخصات نشر: تهران: منیر، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۱۵۹ ص.

شابک: ۱۳۵۰۰ ریال: ۹۶۴-۷۹۶-۵۸۳-۴؛ ۱۸۰۰۰ ریال: چاپ سوم: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۶-۵۸۳-۵

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: چاپ قبلی: منیر، ۱۳۸۲ (۶۳ص.).

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۶.

یادداشت: عنوان دیگر: پیمان غدیر: بیعت بامهدی "علیه السلام".

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۵۷] - ۱۵۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: پیمان غدیر: بیعت بامهدی "علیه السلام".

عنوان دیگر: بیعت بامهدی "عجل الله تعالی فرجه الشریف"

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- اثبات خلافت

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -

موضوع: غدیر خم

موضوع: امامت

موضوع: مهدویت

رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۵ ب ۱۵ پ ۹ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۱۶۹۲۱

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ

سلام بر تو ای پیمان خدا که آن را ستانده و محکم گردانده است

بخشی از زیارت امام عصر علیه السلام (آل یس)

احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۶

...هو عید الله الاکبر

امام صادق علیه السلام درباره عید غدیر فرموده اند: «آن، بزرگترین عید خداوند است و خدای عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث

نکرده مگر آنکه این روز را عید گرفته است». (۱)

ما شیعیان که سالروز غدیر را جشن می‌گیریم و به آن افتخار می‌کنیم، آیا تاکنون به مسؤولیتی که در قبال آن داریم، اندیشیده ایم؟ آیا توجه کرده ایم که مؤمنان آخر الزمان هم مخاطبان واقعی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر سال دهم هجری بوده اند؟ آیا می‌دانیم که از آنروز به انجام دادن کدام بیعت، دعوت شده ایم؟ نام غدیر به فرمایش امام صادق علیه السلام در آسمان «یوم العهد المعهود» است و در زمین «یوم الميثاق المأخوذ» (۲). این عهد و

۱- تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۴۳.

۲- تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۴۳.

{صفحه ۷}

پیمانی که اهل آسمان و زمینان از غدیر می‌شناسند، کدام عهد و پیمان است؟ پاسخ این سؤال در زیارتی که از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام وارد شده، آمده است. در این زیارت، خطاب به خود آن بزرگوار می‌خوانیم: السَّلامُ عَلَیْکَ یا مِثاقَ اللهِ الذی اخذَهُ و وَکَّدَهُ. (۱) آری، تنها میثاقی که خداوند در حال حاضر بر روی زمین دارد، همان پدر مهربان ماست که در روز غدیر، توسط دعوت کننده الهی به اسم و صفت، معرفی گردید و از همه مردم تا روز قیامت خواسته شد که پیمان مولویت ایشان را برعهده گیرند.

ولی مع الاسف اکنون اکثریت مردم - حتی بسیاری از شیعیان - به درستی با آن عهد و میثاق الهی آشنایی ندارند و نمی‌دانند که با امام زمان خود چگونه باید بیعت کنند. پس لازم است که هر چه بیشتر درباره پیمان غدیر، معرفت خود را عمیق تر سازیم تا بهتر بتوانیم از عهده ادای آن برآییم.

کتاب حاضر، محصول تلاش عزیزانی است که به قصد عرض ارادت به پیشگاه صاحب غدیر خواسته اند گامی کوتاه در این مسیر بردارند. به این امید که خداوند، عیدی ایشان را بیعت با دستان پاک آن عزیز سفر کرده، در غدیر امسال قرار دهد.

سید محمد بنی هاشمی

شوال ۱۴۲۳

آذر ۱۳۸۱

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۶.

{صفحه ۸}

پیغام غدیر

لزوم آشنایی با پیام غدیر و عمل به آن در همه زمانها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان آخرین پیام آور الهی، در تبیین کامل ترین ادیان، در روز غدیر، تکلیف همه مردم را تا قیامت روشن نمودند و برنامه هدایت الهی را تا پایان دنیا اعلام کرده، راه هر گونه عذر و بهانه را مسدود ساختند. ایشان با ایراد خطبه ای رسمی، هر گونه محدوده زمانی و مکانی را در نور دیده، حاضران و غایبان را در انتخاب راه بهشت و دوزخ، مخیر نمودند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر، راه دینداری را تا قیامت برای همه مردم ترسیم فرمودند و بر ایشان اتمام حجت نمودند. بنابراین غدیر، دارای محتوای اعتقادی بسیار مهمی است که تکلیف مردم را در دنیا و آخرت مشخص می‌سازد و همه انسان‌ها تا قیامت موظف به عمل به آن هستند.

با این وصف، نمی‌توان غدیر را تنها یک حادثه تاریخی انگاشت

{صفحه ۹}

و وظیفه ما در این عصر، تنها به خواندن و آموختن تاریخ آن خلاصه نمی‌گردد؛ بلکه باید اعتقادات صحیح خود را در این خطبه بیایم و وظایفمان را شناسایی کنیم. به تعبیر روشن تر باید دستورالعمل زندگی خویش را از لابه لای این پیام بیایم و بدان ملتزم گردیم.

حجّت پیام غدیر برای همه انسان‌ها تا روز قیامت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر برای آخرین بار در اجتماع مسلمانان، پیام مهمی را از جانب خداوند متعال اعلام فرمودند. این پیام، دلیل قاطع و برنده‌ای بر تمام کسانی است که به هر طریقی بر آن آگاهی یافته‌اند و راه هرگونه عذر و بهانه را بر ائمت بسته است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خود، تبلیغ این پیام را بر همه حاضران و غایبان در همه اعصار و قرون واجب ساختند:

ای مردم من امر خلافت را به عنوان امامت و وراثت در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می‌سپارم.

وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَ لَدَّ أَوْ لَمْ يُؤَلِّدْ فَلْيَتَّبِعِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (۱)

من آنچه را مأمور به ابلاغش بودم رسانیدم تا حجت باشد بر حاضر و غایب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند؛ بدینا آمده‌اند یا نیامده‌اند. پس حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

۱- احتجاج، ج ۱، ص ۷۸: خطبه غدیر در کتاب احتجاج به صورت کامل نقل شده است. از آنجا که در کتاب «اسرار غدیر» تألیف آقای محمد باقر انصاری این خطبه از کتاب احتجاج با تحقیقی جامع همراه با اختلاف نسخ نقل شده، ما در این کتاب، خطبه غدیر را از کتاب اسرار غدیر نقل می‌کنیم.

{صفحه ۱۰}

این ابلاغ، تکلیف همه مردم را تا روز قیامت روشن ساخته است. مسلماً هیچ‌گونه تخطی از این امر در هیچ دوره‌ای بعد از غدیر، جایز نخواهد بود.

همه کسانی که به گونه‌ای پیام غدیر را دریافت کرده‌اند - صرفنظر از اینکه در کدام عصر زندگی می‌کنند - موظف هستند که در مقابل این اتمام حجت، سر تسلیم فرود آورده، به لوازم آن پایبند گردند و بر هر نسلی واجب است که نسل بعد از خویش را از امر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطلع سازد. اگر گذشتگان به این واجب عمل نمی‌کردند، مدت‌ها قبل، این ندا خاموش گشته بود و این پیام به نسل حاضر نمی‌رسید.

با وجود اینکه مردم با فاصله کوتاهی بعد از غدیر، دستورالعمل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نادیده گرفتند و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را نپذیرفتند، اما پیام غدیر به گوش نسل‌های بعد رسید؛ آنها توانستند وصی پیامبر را در زمان خویش بشناسند و هرگز این نور هدایت خاموش نشد. اکنون نیز شاهد هستیم که در زمان آخرین اوصیا حضرت مهدی علیه السلام هم

تکلیف و صایت، روشن است؛ گرچه مانند همه اعصار، عامه مردم از قبول تکلیف خویش - آنچنان که شایسته است - سر باز می زنند و آن را نادیده می انگارند.

بنابراین، ما هم در عصر خویش وظیفه داریم که دیگران را از تکلیفی که بر دوششان گذاشته شده، با خبر کنیم و با واقعیت غدیر آشنایشان سازیم. به همین ترتیب، این وظیفه تا روز قیامت باقی است و مؤمنان عصر حاضر در سلسله این اخبار، حلقه اتصال گذشته و آینده اند. برای عمل به این تکلیف، ابتدا باید بدانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مأمومین خاتم اوصیاء، حضرت مهدی - عجل

{صفحه ۱۱}

الله تعالی فرجه الشریف - چه خواسته اند و مردم این عصر را به چه امری دعوت فرموده اند و چگونه می توان به این فرمایش ها جامه عمل پوشاند. پس بر هر مسلمانی واجب است که با قول و عمل، به انتقال این پیام مهم، ملتزم گردد؛ چرا که روی سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر با همه انسان ها تا روز قیامت بوده است و مردم در هیچ روزگاری از شمول این دستور، مستثنا نمی باشند.

محتوای اصلی پیام: اعلام ولایت همه ائمه علیهم السلام تا قیامت

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر از جانب خداوند متعال موظف شدند که تکلیف و صایت بعد از خویش را در امت خود، روشن کنند. لذا فرمودند:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام، پروردگارم - که او سلام است - مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع بپا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که: «علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من [بر امتم] و امام بعد از من است. نسبت او به من نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است» و خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است: «أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (۱) صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده، نماز بپا می دارند و در حال رکوع زکات

۱- سوره مائده، آیه ۵۵.

{صفحه ۱۲}

می دهند. و علی بن ابی طالب است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عزوجل را قصد می کند. (۱)

علاوه بر این، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در طول این خطبه به معرفی جانشینان خود پرداخته و تنها به ذکر اسامی ایشان اکتفا نفرموده اند؛ بلکه در جای جای خطبه، اوصاف ایشان را بر شمرده اند. از این رو آنگاه که نام علی بن ابی طالب علیه السلام را برده اند، ایشان را با معرفی خداوند در قرآن کریم متمایز نموده، اعلام فرموده اند که او بعد از من «ولی» و «صاحب اختیار» شماست. زیرا خداوند که مولا - و پروردگار مردم است، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را سرپرست مردم قرار داده است؛ آنجا که می فرماید:

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ. (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به مؤمنان از خودشان اولویت دارد.

بنابراین، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با نصب الهی، بطور مطلق از خود مؤمنان نسبت به خودشان سزاوارترند. به تعبیر دیگر، خداوند ایشان را نسبت به مردم، اولی به تصرف قرار داده است؛ بدین معنا که مؤمنان باید خواست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در همه امور خویش بر خواست خود ترجیح دهند و ایشان نسبت به همه دارایی‌های مؤمنان از خودشان سزاوارترند. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌توانند هر گونه دخالتی در همه ابعاد زندگی آنها داشته باشند. همین مقام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای ائمه علیهم السلام نیز ثابت است. چنانکه امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

۱- اسرار غدیر، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۲- سوره احزاب، آیه ۶.

{صفحه ۱۳}

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

أنا اولی بالمؤمنین منهم بانفسهم ثم انت یا علیّ اولی بالمؤمنین من انفسهم ثم بعدک الحسن اولی بالمؤمنین من انفسهم و بعدہ الحسین اولی بالمؤمنین من انفسهم ثم بعدہ علیّ اولی بالمؤمنین من انفسهم ثم بعدہ محمد اولی بالمؤمنین من انفسهم و بعدہ جعفر اولی بالمؤمنین من انفسهم ثم بعدہ موسی اولی بالمؤمنین من انفسهم ثم بعدہ علیّ اولی بالمؤمنین من انفسهم ثم بعدہ محمد اولی بالمؤمنین من انفسهم ثم بعدہ علیّ اولی بالمؤمنین من انفسهم ثم بعدہ الحسن اولی بالمؤمنین من انفسهم و الحجّه بن الحسن اولی بالمؤمنین من انفسهم ائمه ابرار مع الحق و الحق معهم. (۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر ابتدا از مردم همین مطلب را اقرار گرفتند و پرسیدند: «ألسنت اولی بکم من انفسکم» و آنگاه که همگی آن را تصدیق کردند، اعلام فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيَّْ مَوْلَاهُ.

هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست.

پس هر کس مولویت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفته است، باید حضرت علی علیه السلام را هم نسبت به خود اولی به تصرف بداند.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین دعا فرمودند:

اللّهُمَّ وَالِ مِنَ الْوَالِهِ وَ عَادِ مِنَ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نصره وَ اخذلْ مَنْ خذله وَ اعنْ مَنْ اعانه.

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۹.

{صفحه ۱۴}

خدایا دوستداران او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار نصرت دهندگان او را نصرت بده و خوار کنندگانش را خوار کن و یاری کنندگان او را یاری نما. (۱)

قابل توجه است که این بخش خطبه در نقل اهل تسنن هم آمده است. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بخش دیگر خطبه با تأکید بر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، ولایت بقیه ائمه علیهم السلام را هم تا روز قیامت تثبیت فرمودند. هر چند که غیر از امام حسن و امام حسین علیهما السلام بقیه ایشان هنوز تولد نیافته بودند، اما پیامبر گرامی همان روز بر لزوم قبول ایشان تأکید فرمودند:

ای مردم! این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بپا می‌ایستم. پس بشنوید و اطاعت کنید. در مقابل امر [خداوند]

پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید.

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَاللَّهُمَّ كُنْ مِنْ دُونِهِ رَسُولَهُ وَنَبِيَّهُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيكُمْ وَأَمَّاكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبُّكُمْ ثُمَّ
الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۹.

۲- در مسند احمد بن حنبل نقل شده است که:

اخذ بيد علي عليه السلام فقال الستم تعلمون اني اولي بالمؤمنين من انفسهم؟ قالوا: بلى قال: الستم تعلمون اني اولي بكل مؤمن من نفسه؟ قالوا: بلى قال: فاخذ بيد علي عليه السلام. فقال من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۴۰۰. (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) دست علی علیه السلام را گرفت و گفت: آیا می دانید که من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر هستم؟ گفتند: بله فرمود: آیا می دانید که من نسبت به هر مؤمنی از خودش اولویت دارم؟ گفتند: بله. پس دست علی علیه السلام را گرفت و گفت هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست خدایا دوستداران او را دوست مدار و دشمنان او را دشمن مدار.

{صفحه ۱۵}

تَلْقُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ. (۱)

چرا که خداوند عزوجل صاحب اختیار و معبود شماست و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده (مولای شماست) و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند - پروردگارتان - است و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست (۲) تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد. (۳)

معرفی خاتم ائمه عليهم السلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بخشی بسیار مهمی از خطبه غدیر است که در آن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اسم و وصف پرداخته اند و بدین وسیله حجت را اتمام فرموده اند:

الا ان خاتم الأئمة منا القائم المهدي...

بدانید که آخرین امامان از ما، قیام کننده مهدی است...

أَلَا إِنَّهُ بَشَّرَ بِمَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ أَلَّا مَعَهُ وَلَا نَوْراً أَلَّا عِنْدَهُ

اوست که پیشینیان از قرنهای گذشته به او بشارت داده اند، اوست که به عنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست. هیچ حقی نیست مگر همواره او و هیچ نوری نیست

۱- اسرار غدیر، ص ۱۱۳.

۲- ائمه عليهم السلام غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام فرزندان حضرت صدیقه علیها السلام هستند و از طریق ایشان فرزندان پیامبر می شوند. پس یازده امام علیه السلام هم فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند و هم اولاد امیرمؤمنان علیه السلام. در جای خود اثبات شده است که فرزندان هر کس چه از طریق پسر و چه دختر او باشند از نسل او هستند.

۳- اسرار غدیر، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.

{صفحه ۱۶}

مگر نزد او.

أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ.

بدانید که اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقش و امین او بر نهان و آشکارش. (۱)

انقیاد و قبول سرپرستی حضرت علی علیه السلام و فرزندان ایشان، امری است که خداوند متعال بر همه مردم تکلیف کرده و بدین وسیله، دین همه را کامل نموده است. این تکلیف تا روز قیامت از هیچ کس ساقط نخواهد شد و البته خداوند متعال توسط پیامبر خویش، مردم را از عواقب انکار و شک در این امر مطلع ساخته است:

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَىٰ أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَىٰ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصِلُوا نَارًا وَقُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ. (۲)

ای مردم! او از طرف خداوند امام است و هر کس ولایت او را انکار کند، خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید، چنین کند و او را به عذابی شدید برای همیشه و تا آخر روزگار، معذب نماید. پس بپرهیزید از اینکه با او مخالفت کنید که گرفتار

۱- اسرار غدیر، ص ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۶۰.

۲- اشاره به آیه ۲۴ بقره.

{صفحه ۱۷}

آتشی می شوید که آتشگیره آن مردم و سنگ ها هستند و برای کافران آماده شده است. (۱)

این تهدید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شامل همه کسانی می شود که در مورد سفارش ایشان حتی نسبت به یکی از ائمه علیهم السلام شک کنند:

مَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَئِمَّةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ وَالشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

هر کس در مورد یکی از ائمه شک کند، نسبت به همه آنها شک کرده و کسی که در مورد ما (اهل بیت) شک کند در آتش خواهد بود. (۲)

پیمان گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مردم در روز غدیر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پایان خطبه خویش از مردم دعوت فرمودند که برای بیعت با علی بن ابی طالب علیه السلام ابتدا با شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مصافحه کنند (در حقیقت بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام را بیعت با خود شمردند) و سپس با خود آن حضرت مصافحه نمایند:

أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَىٰ مُصَافَقَتِي عَلَىٰ بَيْعَتِهِ وَالْإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي.

و بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با خودم به عنوان بیعت با او و اقرار به او و سپس به دست دادن با خود او فرا می خوانم. (۳)

۱- اسرار غدیر، ص ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۴۷ و ۱۴۸.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۱۵ و ۱۴۸.

۳- اسرار غدیر، ص ۱۲۸ و ۱۶۱.

{صفحه ۱۸}

همه امت امر شدند که از طریق بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با علی علیه السلام و ائمه از نسل ایشان بیعت کنند و پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تصریح فرمودند که این بیعت، معاهده با خداست:

بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است. من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می‌گیرم (خداوند می‌فرماید) (۱)

إِنَّ الدِّينَ يُبَايَعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِنَّا أَجْرًا عَظِيمًا... (۲)

کسانی که با تو بیعت می‌کنند در واقع با خدا بیعت می‌کنند دست خداوند بالای دست آنان است پس هر کس این (بیعت را) بشکند این شکستن به ضرر خود اوست و هر کس به عهدی که با خدا بسته وفادار باشد خداوند به او اجر بزرگی عنایت خواهد کرد.

هر چند که خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام نیازی به این بیعت ندارند و ملزم بودن به این عهد و پیمان در جهت منافع خود مردم است اما خداوند به وفاکنندگان آن، وعده پاداش عظیم داده است. بالاترین سودی که از آن برای فرد حاصل می‌گردد، تحقق ایمان است؛ چرا که ایمان جز به آن محقق نمی‌گردد و هر کس از ایشان روی گرداند، از خداوند روگردان شده است. پس باید ببینیم که این بیعت چگونه حاصل می‌گردد و مردم همه نسلها تا قیامت چگونه

۱- سوره فتح، آیه ۱۰.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۶۱.

{صفحه ۱۹}

می‌توانند با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام زمان خویش بیعت کنند تا در زمره مبایعه کنندگان با خداوند در آیند. نویسنده کتاب مکیال المکارم رحمه الله این بیعت و مبایعه را عهد مؤکد و پیمان شدید با خدا و رسول او شمرده و تحقق آن را موکول به دو امر دانسته اند:

اول: تصمیم قلبی محکم و ثابت بر اطاعت امر امام علیه السلام و یاری کردن او با نثار جان و مال.

دوم: اظهار کردن آنچه قصد نموده و دل بر آن نهاده بوسیله زبان هنگام بیعت.

و سپس اضافه فرموده اند:

گاهی بیعت در مورد دست در دست هم زدن بکار می‌رود همچنانکه در بعضی از اوقات بین عربها مرسوم و متداول بوده که پس از اتمام بیع یا بیعت دست بهم می‌دادند.

... البته مخفی نماند که خود دست بهم زدن بیعت حقیقی نیست بلکه این کار نشانه وقوع و تمامیت بیعت است و ظاهراً بکار بردن بیعت و مبایعه بر صفقه (۱) و دست بهم زدن از باب نامیدن مسبب به اسم سبب می‌باشد و اصل و حقیقت بیعت، عهد و پیمان شدید و مؤکد است ... هر چند که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علیه السلام با دست بیعت نکرده باشد، همچنانکه بیشتر مؤمنانی که در زمان امامان علیهم السلام بوده اند چنین وضعی داشته اند.

۱- دست دادن، صفقه را در مورد بیعت کردن نیز بکار می‌برند چنانکه اهل لغت یاد کرده اند گویند صفقه رابحه یا خاسره یعنی بیعتی سودمند یا زیانبار (مکیال، ج ۲، تکلیف ۳۴).

{صفحه ۲۰}

بنابراین هر چند که دست به هم زدن از نشانه‌های بیعت است، اما بیعت، موکول به این عمل نیست و البته به هر دست به هم زدن

هم بیعت نمی گویند بلکه التزام قلبی، اولین شرط تحقق آن می باشد. مرحوم صاحب مکیال در حکم بیعت فرموده اند: بیعت به معنی اول بر همه افراد از مرد و زن، برده و آزاد واجب است، بلکه ایمان جز به آن تحقق نمی یابد، چون ایمان همان التزام با دل و زبان به اطاعت فرمان پیغمبر و امام و تسلیم بودن به ایشان و یاری نمودن آنان با جان و مال می باشد. (۱)

بنابراین پذیرش قلبی بیعت با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام در تحقق این مصافقه واجب است و البته اگر اولی الامر به اقرار زبانی یا دست دادن دستور دهند، بنابر امر ایشان، این اعمال، واجب می گردد؛ هر چند که شرط تحقق بیعت نیست.

حال ببینیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر چگونه با مردم بیعت کردند. ایشان در خطبه خویش فرمودند: مَعَاذَ النَّاسِ إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنَ الْبَيْعَةِ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِّي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

ای مردم! شما بیش از آن هستید که با یک دست، در یک زمان با من دست دهید و پروردگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم درباره آنچه منعقد نمودم برای علی

۱- مکیال المکارم، ج ۲، تکلیف ۳۴.

{صفحه ۲۱}

امیرالمؤمنین و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند، چنانکه به شما فهماندم که فرزندان من از نسل اویند. (۱)

بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مقتضای شرایط و کثرت جمعیت، در مرحله اول به اقرار قلبی و زبانی اکتفا فرمودند. سپس برای رسمی تر شدن بیعت دستور فرمودند که دو خیمه برپا داشتند و خودشان و امیرالمؤمنین علیه السلام در آن جلوس فرمودند و مردم دسته دسته ابتدا با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سپس با امیرالمؤمنین علیه السلام دست داده، تریک و تهنیت گفتند. (۲)

پس نحوه بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام منحصر در عمل ظاهری دست دادن نیست؛ بلکه در هر عصر و روزگاری، در ظهور یا غیبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علیه السلام می توان با قلب خود با ایشان بیعت نمود و چه بهتر که سرچشمه های این تعهد قلبی بر زبان نیز جاری شود؛ مانند ادعیه مأثوری که از ائمه علیهم السلام تحت عنوان تجدید بیعت در هر جمعه وارد شده است. (۳) البته کمال سعادت مؤمن است که توفیق یابد به عنوان بیعت، دست در دستان مبارک مولایش بگذارد. اما افسوس که مؤمنان زمان غیبت، بطور عادی از این امر محروم هستند.

۱- اسرار غدیر، ص ۱۳۱ و ۱۶۴ و ۱۶۵.

۲- اسرار غدیر، ص ۳۹.

۳- مکیال المکارم، ج ۲، بخش ششم.

{صفحه ۲۲}

لزوم پیمان بستن همه مخاطبان غدیر بر محتوای آن

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بعد از انشاء خطبه غدیر به امر خداوند اقدام به اخذ بیع برای امیرالمؤمنین و ذریه ایشان علیهم السلام نمودند:

فَأَمْرُتُ أَنْ أَخُذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيِّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مَنِي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ خَاتِمَتُهَا الْمَهْدِيُّ.

پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عزوجل درباره امیرالمؤمنین علی و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند (و آن موضوع) امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود و آخر ایشان مهدی است. (۱)

مخاطبان این امر، تنها کسانی نیستند که در آن سال در غدیر خم، جمع شده بودند؛ بلکه تا قیامت همه کسانی که بخواهند در مسیر خداشناسی و دینداری حرکت کنند، باید این دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفته، با ایشان بیعت کنند. هر چند که دست دادن با ایشان در همه اعصار مقدور نیست اما همه موظف هستند که بر محتوای آن پایبند بوده، در هر زمانی که زندگی می کنند، با اطاعت از امام زمان خویش، دست بیعت به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دراز کنند و در حقیقت با پذیرش ولایت امام زمان با خداوند متعال بیعت نمایند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَبَايَعُوا اللَّهَ وَبَايَعُونِي وَبَايَعُوا عَلِيًّا امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَالأئِمَّةَ [منهم في الدنيا و

۱- اسرار غدیر، ص ۱۲۹ و ۱۶۳.

{صفحه ۲۳}

الآخرة] كَلِمَةً بِأَقِيَّةٍ يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَرَحِمَ مَنْ وَفَى.

ای مردم! با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمایید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان [از ایشان در دنیا و آخرت] بعنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است. خداوند غدر کنندگان (بیعت شکنان) را هلاک می سازد و وفاداران را مورد رحمت قرار می دهد. (۱)

هر چند که مردم دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام نمی توانند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام خویش مصافقه کنند اما با پایبندی بر محتوای غدیر و موالات و تسلیم نسبت به امام علیه السلام می توانند در زمره بیعت کنندگان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درآمده، رستگار شوند.

تجلی محتوای دقیق پیام غدیر در متن بیعت و پیمان

از آنجا که تعداد افراد حاضر در غدیر خم بسیار زیاد بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ابتدا بیعتی به صورت اقرار زبانی منعقد فرمودند. آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در متن این اقرار نامه، کلمه به کلمه القا فرمودند، خود تجلی گاه دقیقی برای پیام غدیر بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این قسمت از برنامه غدیر، با ظرافت تمام به مردم فهماندند که این بیعت چه وظیفه ای بر عهده آنها خواهد گذاشت و از این طریق گستره مسؤلیت آنها را در قبال اولیای الهی تا روز قیامت معین فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور فرمودند مردم به صورت دسته جمعی بگویند:

۱- اسرار غدیر، ص ۱۳۳ و ۱۶۶.

{صفحه ۲۴}

أَنَا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ وُلِدَتْ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ. (۱)
ما شنوا و مطیع و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم درباره آنچه از جانب پروردگار ما و خودت به ما رساندی؛ درباره

امامت امامان علی امیرمؤمنان و امامانی که از صلب او به دنیا می آیند.

سپس درباره کیفیت بیعت آنها نیز اقرار زبانی گرفتند که:

نُبَايِعُكَ عَلَىٰ ذَلِكُمْ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّيَرَاتِنَا وَأَيِّدِنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ نُحْيِي وَعَلَيْهِ نَمُوتُ وَعَلَيْهِ نُبْعَثُ وَلَا نُعَيَّرُ وَلَا نُبَدِّلُ وَلَا نُشْكُ [وَلَا نَجْحَدُ] وَلَا نَرْتَابُ وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ. (۲)

بر این مطلب با دل‌هایمان و جان‌هایمان و زبان‌هایمان و دست‌هایمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم و [روز قیامت] با آن محشور می شویم. در آن تغییر نمی دهیم و چیز دیگری جایگزین آن نمی کنیم و شک نمی کنیم [و انکار نمی نمائیم] و تردید به دل راه نمی دهیم و از این عهد بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این قسمت خطبه از مردم اقرار گرفتند که همه توانایی‌ها و دارایی‌های خویش را در خدمت امیرمؤمنان علیه السلام و ائمه علیهم السلام از نسل ایشان بکار گرفته، در این راه حتی از بدل جان

۱- اسرار غدیر، ص ۱۳۱.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

{صفحه ۲۵}

خویش هم دریغ نوزند (انفسنا) سپس از مردم تعهد گرفتند که تا زنده هستند و حتی بعد از مرگ، از عهد و پیمان خویش بر نگردند و در این راه ثابت قدم باشند. در ادامه باز تأکید فرمودند که:

فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَأْخُوذٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّيَرَاتِنَا وَصَمَائِرِنَا وَأَيِّدِنَا. (۱)

پس برای آنان عهد و میثاق از ما گرفته شده، از دل‌هایمان و جان‌هایمان و زبان‌هایمان و باطن‌های ما و دست‌هایمان.

این نوع بیعت زبانی نشان می دهد که گویی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به این امت، احساس خطر کرده اند و با هر روشی می خواسته اند آنها را از سرپیچی و کجروی بازدارند و به مردم بفهمانند که وظیفه آنها این است که با جان و قلب و زبان و دست و در حقیقت با همه وجود، اطاعت از ائمه اطهار علیهم السلام کنند و این اطاعت هم برخاسته از همه جان‌شان باشد. به عبارت دیگر، این وظیفه از مردم خواسته شده که ائمه علیهم السلام را به معنای کامل کلمه، مولای خویش بدانند؛ همانطور که در طول خطبه، بارها و بارها بر «مولویت» ایشان تأکید فرموده اند.

۱- اسرار غدیر، ص ۱۳۲.

{صفحه ۲۶}

پیمان بندگی

معانی و شؤون مولی و عبد

کلمه مولی در عربی جزء اضداد است؛ یعنی به دو معنای کاملاً ضد یکدیگر بکار می رود. یکی از معانی آن «مالک و صاحب اختیار» و دیگری به معنای «عبد» است. (۱) این لغت در روایات و ادعیه مأثور هم به صورت متضاد بکار رفته است. به عنوان نمونه در زیارت اول امام حسین علیه السلام زائر به امامش چنین عرض می کند:

أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ مَوْلَاكَ. (۲)

در اینجا مولی مترادف عبد بکار رفته است. اما در اذن دخول سرداب مطهر، خطاب به امام زمان علیه السلام می خوانیم:

مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكَتْ أَيَّامَكَ ... فَهِيَ أَنَا ذَا عَبْدِكَ الْمُتَصَرِّفُ بَيْنَ

۱- المعجم الوسيط، ص ۱۰۵۸.

۲- کامل الزیارات، باب ۷۹، ص ۲۱۸.

{صفحه ۲۷}

أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ (۱)

مولای من، اگر ایام ظهور تو را درک کنم ... پس من همان غلام تو هستم که مطابق با امر و نهی تو رفتار می کنم. معنای اخیر مولی به صاحب اختیار و اولی به تصرّف بر می گردد. «مولی» در مقابل «عبد» به کسی اطلاق می شود که خواستش بر خواست غلام، مقدم باشد. به تعبیر دیگر «مولویت» همان «آقایی کردن» است. مقام مولویت در مقابل عبدی مطرح است که ملتزم به دستورات مولاست. روشن است که این دو اصطلاح، لازم و ملزوم یکدیگر هستند. لازمه مولی بودن شخص این است که عبدی داشته باشد و گرنه به او مولی گفته نمی شود. لذا هر مولایی عبدی دارد و لازمه هر عبودیتی، مولویت است. مولی و عبد مانند پدر و پسر، دو مفهومی هستند که دارای دو طرفند و یکطرفه صدق نمی کنند. لذا تحقق دو معنای مولی و عبد را باید با هم بدانیم و توجه داشته باشیم که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر، پیمان بر مولویت اهل بیت علیهم السلام منعقد فرموده اند، در حقیقت از مردم عهد گرفته اند که عبد ایشان باشند.

پس جا دارد که درباره عبد و مصادیق و لوازم آن دقت بیشتری مبذول داشته شود. در زیارت هفتم امام حسین علیه السلام که به زیارت وارث معروف است، چنین آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ الْمُقَرَّبُ بِالرَّقَّةِ ... قَصَدَ حَرَمَكَ وَ اسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ. (۲)

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۸.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۹۹.

{صفحه ۲۸}

سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان! غلام تو و پسر غلامت و پسر کنیزت در حالیکه اقرار کننده به غلامی توست ... قصد حرم تو را کرده و مجاور با محل شهادت تو شده است.

در این بخش، اظهار عبودیت با اقرار به «رَقِیت» تثبیت گشته است. «رَقِیت» که به معنای غلامی است، در مورد کسی اطلاق می شود که دارای مالکی باشد. مولی از آنجا که صاحب عبد است، نسبت به او مولویت دارد؛ یعنی صاحب اختیار اوست.

به تعبیر دیگر، مولویت از شؤون مالکیت است. اگر کسی مالک دیگری بود، بر او حقّ مولویت پیدا کرده، مملوک، غلام او می شود؛ درست مانند رابطه ای که در قدیم بین مولی و عبد برقرار بوده و مولی با پرداخت وجهی، مالک عبد می شده و غلام یا کنیز در حقیقت مملوک او بوده اند و همه شؤون غلامی یا کنیزی بدنبال این مالکیت مطرح می شده است. بدین ترتیب، مولی بر عبد خود، سلطنت و ولایت و حقّ امر و نهی و برتری و بزرگی و غلبه پیدا می کرده است.

مولویت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام به جهت مالکیتی است که خداوند به ایشان اعطا کرده است. خداوند متعال، مالک حقیقی همه مخلوقات است و مالکیت او بالذات می باشد؛ یعنی دیگری او را مالک نکرده و خداوند در مالکیت خود بی نیاز است. به عبارت دیگر، مالکیت او بالغیر نیست؛ بلکه هر کس هر چه دارد، خدا او را مالک کرده است و مخلوقات تنها

مالکیت بالله را دارا می‌شوند. در مالکیت بالغیر؛ بی‌نیازی وجود ندارد؛ یعنی غیر خدا به خودی خود، هیچ ندارد و تنها مالک چیزهایی است که خدا به او تملیک

{صفحه ۲۹}

کرده است. پس حق مالکیت حقیقی، تنها از آن خداست.

و چون مولویت برخاسته از مالکیت است، پس مولویت بالذات هم فقط از آن خداست و همه شؤون مولویت، منحصر در اوست. همه مخلوقات بندگان او هستند و همانطور که کسی به ذات خود نمی‌تواند مالک باشد و استقلالی در مالکیت ندارد، به ذات خود مولی هم نمی‌شود؛ چون مولویت از شؤون مالکیت است. پس مولویت هم فقط بالله محقق می‌شود و مولویت بالذات برای غیر خدا منتفی است.

اما همانطور که غیر خدا بالله مالک می‌شود، خداوند متعال می‌تواند شخص را در مالکیت دیگری در آورده، و او را مولی قرار دهد و البته حوزه مالکیت مخلوقات بر یکدیگر را خداوند تعیین می‌کند. رابطه مولی و عبد که میان دو نفر در قدیم بوده، مالکیت تشریحی مولی و عبد را در یک محدوده معین، ثابت می‌کرده است.

به همین صورت، خداوند متعال مالکیت و ولایت را در حد وسیعی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سپس به امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه از نسل ایشان عطا کرده است و قلمروی ولایت آنان را شامل امور تکوینی و تشریحی قرار داده است. البته این ولایت در عین مطلق بودنش، بالله است و هیچ شباهتی با مالکیت و ولایت ذاتی خدا ندارد. ایشان به معنای حقیقی «ولی الله» هستند؛ یعنی خداوند متعال ایشان را ولی مطلق قرار داده است.

چنانکه بیشتر بیان شد، مولی و عبد لازم و ملزوم یکدیگرند و هر جا مولایی مطرح باشد، عبدی نیز هست. بنابراین خداوند متعال که اهل بیت علیهم السلام را مولای مؤمنان قرار داده، در حقیقت به ایشان امر

{صفحه ۳۰}

فرموده که عبد آنها باشند و البته «عبدالله» بودن با عبد امام بودن تفاوت ماهوی دارد. همانطور که بین مالکیت و مولویت خدا و اهل بیت علیهم السلام هیچ سنخیتی وجود ندارد، بین عبودیت آنها نیز تشبیهی نخواهد بود؛ لذا بکار بردن تعبیری مانند «عبدالحسین» یا «عبدالعلی» و «عبدالمهدی» اشکالی ندارد و هیچ شرکی لازم نمی‌آید ولی معنایش با «عبدالله» کاملاً متفاوت است.

معنای لغوی «عبد» و تفاوت آن با «عابد»، خود، تأییدی بر این مطلب است. لغت «عبد» در عربی به معنای مملوک و رقیق (غلام) آمده است و جمع آن به صورت عبید، عبید، عبید، عبید، عبید، عبیدان و عبیدان بکار می‌رود ولی «عابد» یعنی پرستش کننده و موحد و جمع آن عبید، عبید، و عبید است. (۱) آنچه منحصر در خداست، پرستش و عبادت است که همان مملوکیت و اطاعت استقلالی می‌باشد و جز برای خداوند متعال فرض نمی‌شود. هیچ کس مجاز نیست که عبادت غیر خدا را بکند و لذا برای غیر خدا تعبیر «عابد» بکار نمی‌رود و ما نمی‌توانیم بگوئیم عابد ائمه علیهم السلام هستیم. اما کلمه عبد می‌تواند برای غیر خدا بکار رود و می‌توانیم بگوئیم که مؤمنان عبید ائمه علیهم السلام هستند.

بنابراین آنچه باید از ائمه علیهم السلام نفی شود، آن معنای بندگی است که مختص خداوند و بالذات می‌باشد و از غیر خدا منتفی می‌شود؛ اما آنچه درباره ایشان اثبات می‌گردد، معنای صحیح و مقبولی است که به اطاعت کامل و بدون قید و شرط مؤمنان از آنان بر می‌گردد. لذا

۱- المعجم الوسیط، ص ۵۷۹.

در روایات می بینیم که گاهی ائمه علیهم السلام عبد بودن انسان ها نسبت به خود را نفی کرده و در عین حال ثابت نموده اند که نسبت به همه مردم مولویت بالله دارند.

امام رضا علیه السلام به اسحاق بن یعقوب که در بین جمع بنی هاشم خدمت ایشان بود، فرمودند:

يا اسحاق! بلغني أنّ الناس يقولون: إنا نزعّم أنّ الناس عبيدٌ لنا. لا وقرابتي من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ما قلته قطّ ولا سمعته من آبائي قاله ولا بلغني عن أحدٍ من آبائي قاله ولكتي أقول: الناس عبيدٌ لنا في الطاعة، موالٍ لنا في الدين فليبلغ الشاهد الغائب. (۱)

ای اسحاق به من خبر رسیده که مردم (اهل سنت) می گویند ما عقیده داریم که مردم بنده ما هستند. نه، سوگند به خویشی و قرابتی که با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دارم. نه من هرگز این سخن را نگفته ام و نه از پدرانم شنیده ام و نه به من خبر رسیده که یکی از آنها گفته باشد ولی من می گویم مردم از جهت (لزوم) اطاعت، غلام ما هستند. و در دین پیرو ما هستند پس هر سکه حاضر است به غایبان برساند.

در این حدیث شریف، عبد بودن مردم نسبت به ائمه علیهم السلام به معنایی که برای خداوند، متعال بکار می رود، نفی شده و به معنای لزوم اطاعت محض (که به غلامی تعبیر می کنیم) اثبات شده است. مؤمنان هم عیب خدا هستند و هم عیب ائمه علیهم السلام ولی لفظ عبد و

۱- اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجّه، باب وجوب طاعة الائمه علیهم السلام، ح ۱۰.

{صفحه ۳۲}

عبید در این دو مورد بمعنای کاملاً متفاوت و غیر مشابه بکار می رود.

پس انسان از آن جهت که ذاتاً مربوب خداست، ذاتاً عبد اوست و اگر خداوند مخلوقی را مملوک دیگری قرار دهد، آن مخلوق را می توان بالله عبد او دانست و حوزه لزوم اطاعت از هر فردی بستگی به مولویتی دارد که خدا به مالک او عطا فرموده است. در مورد اهل بیت علیهم السلام نیز باید بگوییم که خداوند آنها را صاحب اختیار مطلق قرار داده است. بنابراین لازمه عبد بودن انسان نسبت به امام علیه السلام این است که ایشان را صاحب اختیار در همه امور خویش بدانند و لذا بطور کامل و مطلق و نه ناقص و مقید، از ایشان اطاعت کند و به مولویتشان اقرار داشته باشد.

مراتب مولویت و عبودیت

اقرار به مولویت امام علیه السلام و عمل به لوازم آن، دارای مراتب مختلفی است که دقیقاً به ایمان شخص بر می گردد. پائین ترین درجه قبول مولویت ایشان این است که اگر امام علیه السلام امر و نهی نسبت به انسان داشته باشد، حتماً اطاعت کند و برای ایشان حقّ امر و نهی قائل شود. از آنجا که ائمه علیهم السلام ولیّ الله هستند، این حق از جانب خداوند به ایشان اعطا شده است و اگر کسی اقرار به این حدّ اقلّ مولویت نداشته باشد، در حقیقت، قائل به ولایت ائمه علیهم السلام نیست و لذا از دایره ایمان خارج می گردد.

مرتبّه بالاتر قبول مولویت وقتی محقق می شود که عبد با توجه به معرفت و ارادتش به امام علیه السلام خواست ایشان را در هر مسأله ای

{صفحه ۳۳}

جستجو کند؛ هر چند که در مورد آن، امر و نهی خاصی نداشته باشند. در این رتبه، عبد سعی می کند که قلب و اعضا و جوارح

خویش را بیشتر به سمت رضای مولایش سوق دهد. پیداست کسی که خشنودی مولایش را بر خشنودی خود مقدم بدارد و در حقیقت، خشنودی او را خشنودی مولایش تشکیل دهد، در اقرار و عمل به عبودیت خویش نسبت به مولایش در رتبه بالاتری قرار دارد.

بالاترین درجه عبد بودن عبارتست از اینکه عبد، همه هستی و امکاناتی را که در اختیارش می باشد، واقعاً و حقیقتاً ملک مولای خود بداند و هیچ کدام از آنها را جز در مسیری که مورد رضا و خشنودی ایشان است، به کار نبرد؛ و اصولاً همه دارایی ها را فقط برای ولی نعمت خود بخاهد و در این خواست، دیگران و حتی خودش را سهم نکند. البته این مقام بسیار بالایی است که هر مؤمنی به سادگی توفیق درک آن را پیدا نمی کند؛ ولی هر کس باید سعی کند خود را در اعتقاد و عمل، هر چه بیشتر به این درجه نزدیک کند. اگر در خواسته های قلبی خود حتی چند مورد را مطابق خشنودی امامش قرار دهد و میل و اراده خود را کنار گذارد و در آن موارد جز به آنچه مولایش می پسندد، فکر نکند و امکاناتش را جز در راه رضای ایشان بکار نبرد، قدمی به این مرتبه عالی نزدیک شده است. برداشتن این قدم، زمینه و مقدمه ای برای گام های بعدی می شود.

به هر حال، پیام غدیر، اقرار به مولویت امام علیه السلام و عمل به لوازم آن است. هر کس هر مقدار در این زمینه موفق باشد، به همان میزان به آن ایمان آورده است و هر مؤمنان در این مورد، دارای مراتب متعدّد و مختلفی هستند.

{صفحه ۳۴}

وظیفه مسلمانان در قبال امام زمان علیه السلام طبق دستور خدای متعال

آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر بر همه مسلمانان تکلیف فرموده اند، این است که امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه از فرزندان ایشان تا حجه بن الحسن - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را مولای خویش بدانند و قید غلامی ایشان را بر گردن انداخته، به لوازم آن مقید گردند. سپس باید بدانیم که رابطه مولی و عبد، برای ما که مأموم حضرت مهدی علیه السلام هستیم، چگونه تحقق می یابد؟

مرحوم صاحب مکیال رحمه الله در بیان شصت و پنجمین وظیفه در قبال امام زمان علیه السلام چنین فرموده اند که: بدنت باید نسبت به ایشان خاضع باشد.

سپس در بیان دلیل خشوع بدنی در مقابل امام علیه السلام به دعای امام صادق علیه السلام در روز جمعه استناد کرده اند که:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ خَاضِعٍ وَإِلَى وِلِيِّكَ بَبَدَنِ خَاشِعٍ وَإِلَى الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ بِقُوَادٍ مُتَوَاضِعٍ. (۱)

خدایا من با قلب خاضع به تو تقرب می جویم و به ولی تو با بدن خاشع و به ائمه راشدین با قلب متواضع تقرب می جویم.

سپس توضیح فرموده اند که منظور از «ولی خدا» هم اکنون حجه بن الحسن ارواحنا له الفداء است و اضافه کرده اند که:

مراد از خشوع بدن، بنابر آنچه از تأمل در کتابهای لغت و موارد استعمال آن به دست می آید و برای اهل تتبع و تدبّر در آیات و روایات مأنوس می باشد، این است که اعضای بدن خود را با

۱- جمال الاسبوع، ص ۲۳۰.

{صفحه ۳۵}

حال بیچارگی و خواری در جهت خدمت کردن به مولای خود و انجام کارهایش بکار بگیری در حالی که بزرگی و برتری ایشان را بر خود بشناسی و خود را نسبت به ایشان کوچک و پست بینی و حق ایشان و لزوم فرمانبری از ایشان را بر خود معتقد باشی؛ همانطور که غلام نسبت به آقا و ارباب خود چنین است.

البته لازمه اینکه شخص اینگونه در بارگاه مولای خویش غلامی کند، اینست که وظیفه اش را بشناسد تا بتواند بدان ملتزم گردد. بدین منظور مناسب است که توجه کنیم در قدیم، بنده ها نسبت به مولایشان چه موقعیتی داشته اند تا گوشه ای از وظایف ما نسبت به امام زمان علیه السلام مشخص گردد.

روشن است که همه امور بنده باید برای مولی باشد. پس خواب و بیداری، نشست و برخاست، سفر و حضر و حتی خوشحالی و ناراحتی ما باید مطابق خواست مولایمان حجه بن الحسن علیهما السلام باشد و این شیوه باید در همه زندگی جریان یابد. بنده باید همه توانایی های خویش را در جهت رضای مولایش بکار بندد و برای خودش زندگی نکند؛ بلکه سمت و سوی زندگی اش را مولایش رقم زند.

مرحوم سید محمد تقی موسوی اصفهانی - صاحب مکیال - در ادامه فرموده اند:

فَأَنَّ الْعَبْدَ الْعَارِفَ بِمَعْنَى الْعِبُودِيَّةِ وَالْمَوْلُوِيَّةِ يَعْلَمُ أَنَّ مِنْ لُؤْازِمِ عِبْدِيَّةِ اسْتِعْمَالِ جِوَارِحِهِ فِي خِدْمَةِ مَوْلَاهُ وَاطَاعَتِهِ.

بنده ای که معنای عبودیت و مولویت را می شناسد، می داند که

{صفحه ۳۶}

از لوازیم عبد بودنش این است که اعضا و جوارح خود را در خدمت و اطاعت مولایش بکار گیرد.

البته عبد با این که با همه توان در خدمت مولایش قرار می گیرد، در قبال عمل خویش هیچ حقی را مطالبه نمی کند و هیچ منتی هم ندارد؛ چرا که همه اعمال خویش را وظیفه می داند و در صورت کوتاهی کردن در انجام وظیفه، خود را مستحق سرزنش می شمارد:

وقتی جوارحش را در خدمت مولایش قرار می دهد، هیچ فکر نمی کند که بر مولایش منتی یا حقی دارد بلکه یقین دارد که اگر در خدمتگزاری و یا اطاعت امرش کوتاهی و سستی کند، مقصر است و اگر بر مولای خود گردنکشی کند یا از خدمت به او سرباز زند، نزد عقلا مطرود و مذموم می باشد.

بنابراین کسانی که حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را مولای خود می دانند، همواره باید اعمال خویش را مورد بررسی قرار دهند که مرتکب کوتاهی در ایفای وظیفه غلامی نگشته و چیزی از حقوق ایشان را پایمال نکرده باشند. این، کمترین حقی است که بر عهده هر غلامی قرار داده شده است و به طریق اولی برای کسی که خداوند متعال مولویت تامه او را مقرر داشته، صادق خواهد بود:

پس وقتی حال غلامی که یکی از مردم او را با چند درهم محدود خریده است، اینگونه باشد و این مولی این مقدار حق و مولویت نسبت به غلامش پیدا کند، پس چگونه است حال مولایی که خداوند متعال برایش مولویت تامه قرار داده است و این معنی را در کتاب عزیز خود چنین روشن بیان فرموده:

{صفحه ۳۷}

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ (۱) و این مقام را بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای امام علیه السلام مقرر فرموده است. (۲)

وقتی با چند درهم پول دادن، این مقدار حق ایجاد گردد، حداقل وظیفه انسان در قبال امام علیه السلام روشن می شود و این موضوع مهم در حقیقت، اصل پیام غدیر است. این مطلب باید همواره مورد توجه باشد که مالکیت امام زمان علیه السلام بر مردم از طریق معامله آنها صورت نگرفته است؛ بلکه پروردگار رب العالمین ایشان را مالک همه مخلوقات زمین و آسمان قرار داده است و اصلاً خود آسمان و زمین را هم به برکت ایشان برپا کرده و خلقت همه دنیا و آخرت برای ایشان است. (۳) بنابراین شایسته است که طبق امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر همواره متوجه اولویت ایشان بر همه و بر نفس خویش باشیم و پایبند

به لوازم این مولویت بگردیم.

رابطه مولی و عبد

از مباحث گذشته نتیجه می شود که رابطه مؤمنان با امام زمان علیه السلام باید رابطه عبد با مولایش باشد. بنابراین شیعیان باید با دقت در معنای «ولی» و «مولی» و لوازم آن، به وظایف خویش در قبال امام علیه السلام هر چه بیشتر آشنایی پیدا کنند. لازمه اعتقاد به ولایت و مولویت امام علیه السلام این است که مؤمن برای ایشان در همه امور مربوط به خود، اولویت قائل باشد. مثلاً

۱- سوره احزاب، آیه ۶.

۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۱۲.

۳- برای مطالعه بیشتر در این موضوع به کتاب «آفتاب در غربت» نوشته همین مؤلف صفحات ۱۱۵ تا ۱۳۰ مراجعه شود. {صفحه ۳۸}

وقت و عمر خود را بیش از آن که متعلق به خود می داند، متعلق به امام علیه السلام بداند و برای ایشان در این که عمر خود را چگونه بگذرانند، اولویت قائل باشد. در دارایی ها و اموال خود، حق امام علیه السلام را بر حق شخصی اش مقدم بدارد؛ به این معنا که بیش از خودش برای امامش قائل به حق تصرف در اموالش باشد. اگر آبرویی نزد مردم دارد، بهره برداری از این آبرو را در درجه اول، حق امام علیه السلام و از آن ایشان بداند. قوای بدنی و روحی خود را بیش از آن که از آن خود بشمارد، متعلق به امامش بداند و برای ایشان در اینکه چگونه از این قوا استفاده کند، نسبت به خود، اولویت قائل باشد. اگر فرزندی یا فرزندی دارد، آنها را در حقیقت، فرزندان امام علیه السلام و امانت ایشان در دست خود بداند و بنابراین خود را موظف بداند که آنها را مطابق میل آن حضرت تربیت کند و خواست امام علیه السلام را در این امر بر خواست خود مقدم بدارد.

ولی بودن امام علیه السلام به معنای اولی به تصرف بودن ایشان در همه امور، مربوط به مؤمنان است و لذا مأمومین ایشان باید نسبت به هر چه مالک هستند، امامشان را املک از خود بدانند؛ به این معنا که حق ایشان را در مورد آنها مقدم بر خود بشمارند. تا آنجا که هر یک از ایشان امکانات خود، اعم از دست و زبان و پول و حتی قلب خویش را بیش از آن که دارایی خود بشمارد، از آن امامش بداند و در مورد همه دارایی هایش - اعم از مادی و معنوی - امام را اولی از خودش بداند.

در کتاب شریف مکیال المکارم به مناسبت بحث درباره «ولایت» امام زمان علیه السلام که آن را «سلطنت» و «استیلا» معنا کرده است، می فرماید:

{صفحه ۳۹}

و مقتضی اذعانک بأنه اولی بک من نفسک فی جمیع ما یتعلق بک أن تعجله اولی منک فی جمیع ما تحبه لنفسک و تجعل السعی فی حاجته مقدماً علی حاجتک. (۱)

لازمه اقرار کردن تو به این که امام علیه السلام از خودت نسبت به خودت در همه امور مربوط به تو اولویت دارد این است که ایشان را در همه آنچه برای خودت دوست می داری، بر خود اولی و سزاوارتر قرار دهی و کوشش کردن برای خواسته ایشان را بر خواسته خودت مقدم بداری.

سپس برای تأیید این معنا به عبارتی از زیارت جامعه کبیره استناد کرده اند که می فرماید:

و مُقَدِّمُکُمْ إِمَامَ طَلَبْتِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي. (۲)

خلاصه، لازمه قبول ولایت امام علیه السلام این است که در همه حالات و امور شخصی، خواست و میل ایشان بر خواست و میل فرد، مقدم باشد و مؤمن، امامش را بیش از خودش نسبت به همه امورش صاحب حق بداند. بدین ترتیب، بنده نمی تواند در تمام طول شبانه روز به دنبال کار خود باشد بلکه باید ببیند مولایش به او چه امر می کند و سراغ اوامر ایشان برود.

برای روشن شدن این مطلب می توان مثال شخصی را مطرح کرد که کارمند اداره ای شده که در ازای دریافت حقوقی باید ساعتی را که متعهد گشته، در آنجا کار کند. در این میان، کارمند نمی تواند

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۹۱ المقام الثالث.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۵۳.

{صفحه ۴۰}

هر کاری خودش می خواهد انجام دهد، بلکه توان و وقت او متعلق به صاحب کارش می باشد.

وظایفی که شرع مطهر بر انسان در مورد همسر و فرزند و همسایگان و نیازمندان و ... معین فرموده، همگی خواست مولای غایب حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است که مؤمن هر قدر در اعتقاد به مولویت ایشان عمیق تر و محکم تر باشد، به این تکالیف شرعی مقتیدتر خواهد بود. آنچه مهم است این است که مؤمن با چه اعتقادی به انجام وظایف شرعی خویش پردازد. نیت شخص، تعیین کننده ارزش عمل اوست.

بنابراین اگر مؤمنان در زمان غیبت بخواهند پایبند به بیعتی باشند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسته شده است، باید نسبت به امام زمان علیه السلام اینگونه باشند و ایشان را ولی الله در زمین بدانند. پس همه مردم اعم از زن و مرد، شاغل و غیر شاغل، باسواد و بی سواد، ثروتمند و فقیر ... باید همه امورشان برای حجة بن الحسن علیهما السلام باشد؛ هیچ گونه استقلالی برای خود قائل نبوده، همه توانایی های و اعضا و جوارح خود را در خدمت ایشان بکار بندند؛ هر عملی که می خواهند انجام دهند، باید بررسی کنند که آیا مولای ما چنین کاری از بنده اش خواسته است؟ و یا حداقل به انجام این عمل راضی است؟ مسلماً اگر کسی خود را عبد بداند، نمی تواند ادعا کند که هر طور که خودش می پسندد، می تواند زندگی کند.

عبد باید در تمام زندگی اش برای مولای خودیش اولویت قائل شود و زندگی اش را در جهت رضای او سامان بخشد. لذا اگر می خواهد کاسبی کند و درآمدی بدست آورد، باید آنگونه عمل کند

{صفحه ۴۱}

که مولی می پسندد و گرنه درآمدش حلال نخواهد بود. اگر امکانات و فعالیت ها و توانمندی های فرد در راستای رضای مولایش صرف نشود، دیگر نمی توان به او «عبد» گفت.

کسی که به ولایت امام زمان علیه السلام اقرار دارد، در دینداری خود نیز باید رضای ایشان را جلب نماید و نمی تواند مطابق میل و سلیقه خود عمل کند. حتی اگر احتمال دهد که ولی نعمتش از امری کراهت دارد، هرگز به آن مبادرت نمی ورزد و از نزدیک شدن به موارد مشکوک نیز خودداری می کند. اینجاست که «ورع» در متن زندگی قرار می گیرد و بدینگونه فرد برای کسب خشنودی مولایش قبل از نزدیک شدن به مرز حرام قطعی، توقف می نماید. بنابراین نمی توان مدعی قبول ولایت امام زمان علیه السلام شد و نسبت به حلال و حرام بی توجه بود.

کسی که همراه با معرفت، تسلیم ولایت امام زمان علیه السلام شده، برایش دشوار نیست که از برخی امیال خود بگذرد و مطابق پسند ایشان زندگی کند. لذا هیچگاه در صدد پیدا کردن راه حل های مختلف برای رسیدن به خواست های خود نمی باشد و بی

جهت به هر چه خود می‌پسندد، رنگ دین نمی‌زند؛ بلکه خالصانه رضای مولایش را جستجو می‌کند.

از دیگر لوازم قبول مولویت این است که عبد، خود را از هر جهت به دست مولی بسپارد و نگران مایحتاج خود نباشد. در قدیم، یک بنده از صبح بدنبال کار مولی می‌رفت و ظهر هم بر سر سفره او حاضر می‌شود و در حقیقت، مولایی که در طول روز، او را به دنبال کارهای مختلف می‌فرستاد، خود را موظف به اطعام او می‌دانست و

{صفحه ۴۲}

شب هم جایی جهت استراحت برایش آماده می‌کرد و ... لذا فکر و مشغولیت ذهنی غلام، هیچ یک از مسائل شخصی خودش نبود؛ بلکه فکر و ذکر او فقط امتثال امر مولایش بود و مولی را به معنای واقعی کلمه «ولّی» خویش می‌دانست. به این ترتیب امور مربوط به خودش را به او می‌سپرد و خود به وظیفه غلامی اش می‌پرداخت.

بنابراین هر غلامی موظف به انجام غلامی خودش است و هر مولایی در حدّ شؤن خویش آقایی خواهد کرد. غلام نباید نگران وضعیت شخصی خود باشد بخصوص اگر بداند که مولایش آنچه را برای او شایسته و به صلاحش باشد، فراهم می‌کند.

مسلماً بهترین موالی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اولاد گرامیشان تا حضرت مهدی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند که طبق بیعت غدیر، مولویت ایشان بر هر زن و مردی واجب گشته و اگر مردم حقیقتاً به عهد خویش پایبند باشند و از خدمت‌گزاری به این موالی، سرباز نزنند، به بهترین وجه از آقایی و کرم ایشان بهره‌مند می‌گردند.

{صفحه ۴۳}

امروز، غدیر

عملکرد مسلمانان در قبال پیمان غدیر

متأسفانه آنچه از واقعه غدیر تاکنون، مورد فراموشی قرار گرفته، توجه به همین لوازم مولویت است. از همان لحظات اولیه در سال دهم هجری بسیاری از مردم، منافقانه با امیرالمؤمنین علیه السلام دست بیعت دادند و آنگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور فرموده بودند، با دل و جان و دست و زبان، تسلیم علی بن ابیطالب علیه السلام نشده، به مولویتشان تن ندادند. هم اکنون نیز که ما در زمان مولویت آخرین وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفته ایم، باید منصفانه درباره وضعیت خویش به داوری بنشینیم که چقدر در انجام این وظیفه قبلی و جوارحی خود موفق بوده ایم؟ و یا حداقل چه اندازه به لوازم مولویت توجه داشته و معتقد بوده ایم؟ ما که همواره بر خوان پربرکت این مولی نشسته ایم و از نعمت‌های مادی و معنوی این مولای کریم، بهره‌مند شده ایم، آیا تاکنون خود را غلام او - هر چند عاصی و خطاکار - دانسته ایم؟

{صفحه ۴۵}

براستی این مطلب، قابل بررسی است که در میان شیعیان چند درصد مردم، دست کم به یاد ولّی خود هستند؟ و چند نفر اینگونه مولویت را برای او قائل می‌باشند؟!

حداقل در روز غدیر که متعلق به وجود مقدّس ولّی عصر ارواحنا فداه می‌باشد، چقدر از صاحب غدیر و حقوق ایشان یاد می‌شود؟ گاه بی توجهی و غفلت شیعیان نسبت به ایشان چنین می‌نماید که عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بین مسلمانان زمان غیبت هم بدست فراموشی سپرده شده است و در روز غدیر هم آنچنان که شایسته است، حقّ امام علیه السلام ادا نمی‌شود. با وجود اینکه جشن‌ها و مراسمی به مناسبت این روز برقرار می‌شود و عید غدیر مورد اکرام و بزرگداشت قرار می‌گیرد، ولی پیام غدیر که همان فرمان مولویت حجّه بن الحسن علیه السلام در این زمان است، کاملاً مسکوت باقی می‌ماند و در حقیقت، ما که

مدعی تشیع در زمان غیبت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستیم، در پابندی به مفاد این خطبه، مرتکب قصور گشته ایم و چه بسا وظیفه خود را هنوز نشناخته ایم. اگر چنین باشد، چگونه ممکن است که روز غدیر برای مؤمنان و ولی نعمت آنها عید باشد؛ چرا که این روز بیش از آنکه ولایت و سرپرستی امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه از نسل ایشان را اعلام نماید، یادآور حقوق از دست رفته ایشان از ابتدای روز غدیر در حجّه الوداع تا امروز می باشد و این مسأله ای است که دل‌های همه دوستداران اهل بیت علیهم السلام را در اعیاد بزرگ مانند غدیر و قربان و فطر و جمعه محزون می کند و آنها را در مجالس {صفحه ۴۶}

دعای ندبه (۱) جمع می سازد. این مطلب طبق فرمایش امام صادق علیه السلام باعث اندوه موالی ما نیز می گردد:

مَا مِنْ عِيدٍ لِلْمُسْلِمِينَ أَضْحَى وَلَا فِطْرٍ إِلَّا وَهُوَ يُجَدِّدُ لِيَّالٍ مُحَمَّدٍ فِيهِ حُزْنًا (۲)

هیچ روز عید فطر و قربانی نیست مگر اینکه برای اهل بیت پیامبر علیهم السلام غم و اندوهی را تازه می کند.

بدین ترتیب، محبّ امام زمان علیه السلام نیز به تبع مولایش در این اعیاد، محزون می گردد و در واقع با وجود اینکه این روزها عید هستند، غمی بزرگ بر شادی این اعیاد، سایه می اندازد. شیعیان واقعی اهل بیت علیهم السلام که حلقه بندگی آنها را به گردن انداخته اند، همواره در انتظار روزی بسر می برند که با رفع گرفتاری و شادی امامشان خشنود گردند. این همان روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیر وعده آن را داده و فرموده اند که حضرت مهدی علیه السلام حقیقت دین الهی را آشکار می سازد و از ظالمان انتقام گرفته، به یاری دین خدا بر می خیزد و خون به ناحق ریخته اولیای الهی را طلب می کند:

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مَنَا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ. أَلَا إِنَّ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ...

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ. (۳)

بدانید که آخرین امامان از ما مهدی قائم است. اوست غالب بر

۱- ندبه به معنای ناله و فریاد.

۲- فروع کافی، ج ۴، ص ۱۷۰، باب النوادر، ح ۲.

۳- اسرار غدیر، ص ۱۲۶.

{صفحه ۴۷}

ادیان. اوست انتقام گیرنده از ظالمان.

بدانید که اوست انتقام گیرنده هر خونی از اولیای خدا. اوست یاری دهنده دین خدا.

چنین روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام آنچنانکه باید، شناخته خواهند شد و حاکمیت و مولویت مطلق ایشان بر همه جهان حکمفرما می گردد. ان شاء الله

نتیجه سرپیچی از فرمان خداوند در غدیر

وظیفه همه کسانی که پیام غدیر به هر وسیله بدست آنها رسیده، این است که به مفاد خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اعتقاد قلبی پیدا کنند؛ چرا که هر گونه بی اعتقادی یا شک و تردید در آن، شخص را از مسیر عبودیت خارج ساخته، به ورطه کفر می اندازد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این خطبه خود را به صفت خاتم الانبیاء معرفی فرموده و شک در این حکم الهی را عین کفر و ضلالت دانسته اند:

انا [وَاللّٰهِ] خَاتَمَ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةَ عَلٰى جَمِيعِ الْمَخْلُوْقِيْنَ مِنْ اَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِيْنَ فَمَنْ شَكَّ فِيْ ذٰلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كَفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولٰى. (۱)

من به خدا قسم خاتم پیامبران و رسولان و حجّت بر همه مخلوقات از اهل آسمانها و زمین ها هستم. هر کس در این مطلب شک کند، مانند کفر جاهلیت اولی کافر شده است.

سپس تأکید فرموده اند که همه فرمایش ایشان باید مورد قبول و تسلیم مؤمنان قرار گیرد و شک در هر یک از مفاد آن، به منزله شک

۱- اسرار غدیر، ص ۱۱۵.

{صفحه ۴۸}

در همه دین محسوب می گردد:

وَمَنْ شَكَّ فِيْ شَيْءٍ مِنْ قَوْلِيْ هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِيْ كُلِّ مَا اُنزِلَ اِلَيّْ.

و هر کس در چیزی از این گفتار شک کند، در همه آنچه بر من نازل شده، شک کرده است.

پذیرش قلبی امامت ائمه علیهم السلام تا روز قیامت، اولین قدم به سوی امتثال امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و شک در مقام هر یک از ایشان شخص را از ایمان خارج ساخته، راهی آتش می گرداند:

وَمَنْ شَكَّ فِيْ وَاٰحِدٍ مِنَ الْاَيْمَةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ وَالشَّاكُّ فِی النَّارِ.

و هر کس که در یکی از امامان شک کند، در همه آنها شک کرده است و شک کننده درباره ما در آتش است.

کسی که از قبول هر یک از مفاد این فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سرپیچی کند، مورد لعنت و غضب الهی واقع می گردد.

ای مردم! علی را فضیلت دهید که او بعد از من تا خداوند روزی را نازل می کند و خلق باقی است، بر همه مردم - از مرد و زن - افضل است.

مَلْعُونٌ مَّلْعُونٌ، مَغْضُوْبٌ مَغْضُوْبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِيْ هَذَا وَ لَمْ يُوَافِقْهُ.

ملعون است ملعون است مورد غضب است مورد غضب است کسی که این گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد. (۱)

۱- اسرار غدیر، ص ۱۱۵ و ۱۴۸.

{صفحه ۴۹}

موافقت و قبول قلبی مولویّت اهل بیت علیهم السلام کامل کننده دین است و کوتاهی در پذیرش این مهم، گناهی نابخشودنی است که عاقبت فرد را تباه کرده، همه اعمالش را زایل می گرداند. بنابراین اگر کسی در مرحله اعتقاد قلبی، تسلیم موالی خویش نشده باشد، هر قدر در انجام واجبات و مستحبات اهتمام داشته باشد، او را سودی نمی بخشد و همه اعمالش حبط گشته، مخلد در آتش می گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیر با صراحت بر این مطلب تأکید فرموده اند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ اِنَّمَا اَكْمَلَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ دِيْنَكُمْ بِاِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتَمَّ بِهِ وَ يَمَنْ يَقُوْمُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِيْ مِنْ صُلْبِهِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرَضِ عَلَيَّ اللهُ عَزَّوَجَلَّ فَاَوْلٰئِكَ الَّذِيْنَ حَبَطَتْ اَعْمَالُهُمْ [فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ] وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُوْنَ «لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يَنْظُرُوْنَ». (۱)

ای مردم خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود. پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عزوجل هستند، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته، در آتش

دائمی خواهند بود. عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و به آنها مهلت داده نمی شود. (۲)

مخاطبان غدیر نه تنها موظف هستند که با قلب، پذیرای پیام خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم گردند، بلکه همانطور که ایشان از مردم بیعت

۱- سوره آل عمران، آیه ۸۸.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۱۹ و ۱۵۲.

{صفحه ۵۰}

گرفته اند، باید همه با جان و دل و جوارح، تسلیم موالی خویش شده، به معنای واقعی کلمه به مولویت امام زمان خویش تن دهند و عبد ایشان گردند.

براستی اگر ما خود را عبید امام عصر علیه السلام می دانیم، باید منصفانه بررسی کنیم که عمل ما چقدر مطابق پیمانی است که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بسته ایم؟ آیا با دل و جان و زبان، تسلیم ایشان شده ایم؟ چقدر از سالهای عمر خود را برای امام زمان علیه السلام صرف کرده ایم؟ چقدر از امکانات خویش را در جهت کسب رضای ایشان صرف نموده ایم؟ زبانمان چقدر در جهت خشنودی ایشان چرخیده است؟ و در نهایت، قلب ما چه مقدار در خدمت مولایمان بوده است؟

همه اعمال جوارحی انسان از قلب بر می خیزد و اگر قلب، مملوّ از توجه و محبت به همه کس و همه چیز غیر از امام زمان علیه السلام شد، کم کم گوهر ایمان از آن خارج می گردد و شخص را مستحقّ هر گونه عذاب الهی می سازد؛ چنانکه خداوند متعال هشدار داده است:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ. (۱)

اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و قبیله شما و اموالی که کسب کرده اید و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید و محل های سکونتی که مورد خشنودی شماست،

۱- سوره براءت، آیه ۲۴.

{صفحه ۵۱}

نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه او محبوب تر است، پس منتظر باشید تا خدا امر خود (عقابش) را برساند.

اگر خواست های دنیوی ما و توجه به پدر و مادر و فرزند و مال و تجارت و ... بر محور مولویت امام زمان علیه السلام نباشد و آسایش و خواست خویش را بر خواست امام خود ترجیح دهیم، باید بدانیم که از پیمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سرپیچی کرده ایم و این عمل، عقاب سختی به دنبال خواهد داشت.

در حقیقت، نقض پیمان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زیان خود شخص می انجامد و همواره مصیبت این عهدشکنی، دامن گیر خود امت بوده است.

فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِئُوتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا. (۱)

هر کس بیعت را نقض نماید، در حقیقت به زیان و هلاکت خود اقدام کرده است و هر که بر آنچه با خداوند عهد بسته، وفادار بماند، خداوند او را پاداش بزرگی خواهد داد.

بنابراین ما همواره باید متذکر و متنبه باشیم که بر عهد و پیمان خود استوار بوده، بر ادای حقوق مولای خویش - صاحب الزمان علیه

السلام - اهتمام ورزیم و بدین وسیله، خود را در معرض فضل خداوند متعال قرار دهیم. هم چنین باید متوجه باشیم که خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام نیازی به تبعیت ندارند؛ بلکه پابندی بر این پیمان، سعادت دنیوی و اخروی امت را تأمین می‌سازد و عواقب

۱- سوره فتح، آیه ۱۰.

{صفحه ۵۲}

سرپیچی از آن به انحای مختلف، دامنگیر پیمان شکنان می‌گردد.

لیک گفتن به دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در عید غدیر

از آنجا که در روز غدیر، پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همه انسانها را تا روز قیامت از طرف خداوند مورد خطاب قرار دادند و آنها را به قبول عهد و پیمان الهی فرا خواندند، امام صادق علیه السلام به شیعیان دستور داده اند که در هر عید غدیر به عنوان لیبیک گفتن به این دعوت کننده پروردگار (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) پس از ادای دو رکعت نماز و صدبار بجا آوردن شکر خداوند در سجده، این دعا را بخوانند:

اَللّٰهُمَّ سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا وَ اَجَبْنَا دَاعِيَكَ بِمَنْكَ ... و در ادامه دعا:

فَاِنَّا يَا رَبَّنَا اَمْنَا بِمَنْكَ وَ لَطْفِكَ اَجَبْنَا دَاعِيَكَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ وَ صَدَقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَ كَفَرْنَا بِالْحَبِيْبِ وَ الطَّاغُوْتِ فَوَلَّنَا مَا تَوَلَّيْنَا وَ احْشُرْنَا مَعَ اٰثِمِيْنَا فَاِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُوْنَ مُوقِنُوْنَ وَ لَهُمْ مُسَلِّمُوْنَ اَمْنَا بِسِرِهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ وَ رَضِيْنَا بِهِمْ اَنْمَةً وَ قَادَةً وَ سَادَةً. (۱)

خدايا! شنیدیم و اطاعت نمودیم و دعوت کننده ات را به فضیلت اجابت کردیم ... پس ای پروردگار ما! ما ایمان آوردیم و به لطف و فضل خودت دعوت کننده ات را اجابت کردیم و از رسول تبعیت نمودیم و او را و مولای مؤمنان را تصدیق کردیم و به جبت و طاغوت، کفر ورزیدیم. پس ما را تحت ولایتی که پذیرفته ایم در آور و با امامان خود محشورمان کن که ما به ایشان ایمان و یقین داریم و تسلیم آنان هستیم. ما به آشکار و

۱- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۹.

{صفحه ۵۳}

نهانشان و شاهد و غایب شان و زنده و مرده شان ایمان آوردیم و راضی شدیم که آنان امام و پیشوا و آقای ما باشند. به فرموده امام صادق علیه السلام کسی که این دعا را بطور کامل بخواند و سپس به سجده رود و صد مرتبه پروردگار را حمد کند و سپس بار دیگر به سجده رود و صد مرتبه خداوند را شکر بگزارد، مانند کسی خواهد بود که در روز غدیر حاضر بوده و با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر امر ولایت اهل بیت علیهم السلام بیعت کرده است ... و همچون نجیبان و اشرافی خواهد بود که زیر پرچم حضرت قائم علیه السلام و در خیمه ایشان هستند. (۱)

آنچه در این عمل مقدس و شریف به مؤمنان هر عصر و زمانی وعده داده شده، با توجه به مباحث پیشین، دور از انتظار به نظر نمی‌رسد. کسی که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روز غدیر سال دهم هجری را درک نکرده ولی مخاطب آن حضرت بوده است، اگر در سالروز غدیر به دعوت ایشان که دعوت کننده الهی هستند، لیبیک بگوید و با دل و جان و دست و زبان به مولویت امامان علیهم السلام اقرار و اعتراف نماید، از جهت آنچه به خودش و اعمال اختیاری اش مربوط می‌شود، از کسانی که با پیامبر

صلی الله علیه و آله و سلم صادقانه در غدیر بیعت کردند و به این بیعت وفادار ماندند، چیزی کم ندارد. چنین کسی به فضل پروردگار، شایستگی این را دارد که همچون بزرگان و اشرافی باشد که امام عصر علیه السلام را در زمان ظهورش یاری می کنند.

دعا بر تعجیل فرج در روز غدیر

مؤمن در هر عید غدیری با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامانش تا

۱- بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۰۰.

{صفحه ۵۴}

حضرت حجّه بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تجدید بیعت می کند و به امید درک سعادت یاری ایشان، برای تعجیل در فرج آن بزرگوار دست به دعا بلند می کند. آری یکی از وظایف عبد این است که همیشه به فکر مولایش باشد و اگر ایشان را گرفتار ببیند، برای رفع این گرفتاری تلاش کند. شیعیان در زمان غیبت در هر روز و هر لحظه وقتی می بینند که امر ظهور مولایشان اصلاح نشده، غمناک می گردند و راه چاره ای برای رفع گرفتاری از ولی نعمت خویش می جویند. بدین ترتیب، در همه اوقات، عاجزانه و با همه وجود از خداوند متعال درخواست می کنند که موانع ظهور حضرتش را برطرف نماید. پس مسأله دعا بر تعجیل فرج، یکی از کارهای اصلی بنده می باشد و او تلاش در این مسیر را وظیفه خویش می داند و سعی می کند هر کاری که می تواند، در جهت تحقق فرج مولایش انجام دهد. لذا دیگران را هم متوجه ولی نعمت خویش کرده، ترغیب بر دعای فرج می نماید و هم چنین در هر مناسبت و عید و عزایی و هر کجا که امید استجاب دعا می رود، گشایش در امر امام عصر علیه السلام را بر همه حوائج، مقدم می دارد.

یکی از ایام و فرصت هایی که شیعیان، آن را برای دعای بر فرج امام عصر علیه السلام مغتنم می شمارند، همین روز غدیر است و دعای خاصی نیز در این روز وارد شده که مرحوم صاحب مکیال بخشی از آن را نقل فرموده اند. اول دعا چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ وَالشَّانِ وَالْقَدْرِ الَّذِي خَصَّصْتَهَا بِهِ دُونَ خَلْقِكَ...

خدایا به حق محمد پیامبرت و علی ولایت و شأن و منزلتی که

{صفحه ۵۵}

از بین خلاقیت به او اختصاص داده ای، از تو می خواهم...

و در آخر دعا آمده است:

اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ اكْشِفْ عَنْهُمْ وَ بِيهِمِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ. اللَّهُمَّ اَمَلًا الْاَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا كَمَا مُلِّتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ اَنْجِزْ مَا وَعَدْتَهُمْ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.

خدایا! بر خاندان محمد - پیامبرت - فرج و گشایش ده و از آنها و از مؤمنان نیز به سبب آنها محنت ها و غم ها را برطرف ساز. خداوند! زمین را به وجود آنها پر از عدل کن همچنانکه از ظلم و جور پر شده است و آنچه به ایشان وعده فرموده ای تحقق بخش.

به درستی که تو خلف وعده نمی کنی. (۱)

دعا برای مؤمنان در روز غدیر

بهترین دعایی که خداوند ممکن است در حق شیعیان به استجاب برساند، این است که به آنها توفیق خدمتگزاری در درگاه مولایشان را عطا فرماید. این اعتقاد که مسلمان باید عبد امام زمانش باشد، عیدی بزرگی است که امید می رود، خداوند در این روز

به شیعیان عطا فرماید. سپس باید در روز غدیر و همه اوقات، از خداوند بخواهیم که به ما معرفتی عطا فرماید تا حقوق مولایمان را بشناسیم و درک کنیم که باید بدون این که منتی بر خدا و رسولش داشته باشیم، با همه وجود در خدمت امام خویش در آییم و به آنچه ایشان دوست دارند، تقرب جست، از آنچه مبعوض دارند، دوری کنیم. و بطور خلاصه از خداوند درخواست کنیم که ما را عبید امام

۱- مکیال، ج ۲، ص ۴۹، ح ۱۱۰۰ به نقل از اقبال الاعمال و زاد المعاد.
{صفحه ۵۶}

زمانمان قرار دهد تا همه شئون زندگیمان برای آن حضرت قرار گیرد و بدین ترتیب جزء کسانی باشیم که در روز غدیر به راستی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کرده اند.
مرحوم مکیال رحمه الله فرموده اند:

مستحب است در این روز (عید غدیر) از خدای متعال بخواهی که تو را از یاران آن حضرت - که خداوند ظهور و فرجش را زودتر گرداند - قرار دهد، چنان که دعایی طولانی و شریف در کتاب اقبال، ذکر شده و جملات پایانی آن این است:
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعًا أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَنَا فِيهِ بِالْوَفَاءِ لِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَ إِلَيْنَا وَ الْمِيثَاقِ الَّذِي وَاقَفْتَنَا بِهِ مِنْ مُوَالَاتِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ تَمَنَّيْنَا عَلَيْنَا بِنِعْمَتِكَ عِنْدَنَا وَ تَجَعَلْتَهُ عِنْدَنَا مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا وَ لَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَدًا وَ لَا تَجَعَلْتَهُ عِنْدَنَا مُسْتَوْدَعًا فَإِنَّكَ قُلْتَ: «فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ» فَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا وَ ارْزُقْنَا نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وَلِيِّ هَادٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ قَائِمًا رَشِيدًا هَادِيًا مَهْدِيًّا مِنَ الضَّلَالَةِ إِلَى الْهُدَى وَ اجْعَلْنَا تَحْتَ رَايَتِهِ وَ فِي زُمْرَةِ شُهَدَاءِ صَادِقِينَ مَقْتُولِينَ فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَى نَصْرِهِ دِينِكَ. (۱)

خداوند از تو می خواهم به حقی که نزد آنان (خاندان پیامبر) قرار داده ای و به آنچه بر تمام جهانیان بر تریشان بخشیده ای که این روز را بر ما مبارک سازی، این روز که ما را در آن، به

۱- اقبال الاعمال، جزء اول، ص ۴۸۰.
{صفحه ۵۷}

جهت وفای به عهده‌ای که از ما خواسته ای و پیمانی که از ما گرفته ای - پیمان دوستی و پیروی اولیایت و یبزاری از دشمنانت - گرامیمان داشته ای. و [از تو می خواهم] که با نعمت بر ما منت نهی و آن را نزد ما قرار یافته و پایدار نمایی و هیچ گاه این نعمت (ولایت) را از ما نگیری و آن را نزد ما بطور امانت قرار ندهی که تو فرموده ای: «پس قرار یافته است و امانت سپرده شده» پس آن را برقرار و پایدار کن و یاری دینت را به ما روزی فرمای در خدمت ولی هدایت کننده ای از خاندان پیغمبرت، آن هنگام که به ارشاد پیاخیزد و هدایتگر هدایت شده از گمراهی به سوی راه راست بوده باشد و ما را زیر پرچم او در شمار شهیدان راستینی که در راه تو و به خاطر یاری دینت کشته شده باشند قرار بده. (۱)

بالاترین افتخار انسان این است که بتواند جانش را تقدیم مولای خویش کند و در حقیقت، توفیق یابد بالاترین نعمتی را که مولی به او بخشیده است، در راه او بذل کند و بدین ترتیب، حق عهد با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به جای آورد؛ همانطور که یاران امام حسین علیه السلام جانهای خود را فدای مولایشان کردند و ما هنگام سلام دادن به مولایشان بر آنها چنین درود می فرستیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِبَاعَبْدِاللّٰهِ وَ عَلَيِ الْاُرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ. (۲)

بنده اگر توفیق شهادت در رکاب مولایش را نیافت، باید همواره

۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۹.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۷۷.

{صفحه ۵۸}

این آرزو را در سر داشته باشد و این سعادت را از خداوند مسألت دارد؛ چنان که مؤمنان هنگام زیارت سید الشهداء علیه السلام این جمله را با افسوس بر زبان جاری می سازند که:

يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا. (۱)

ای کاش من با شما بودم پس به رستگاری بزرگی می رسیدم.

اگر کسی در زمان غیبت در همه طول حیاتش متوجه ولایت امام عصر علیه السلام بوده، خود را از همه جهت بنده ایشان بداند و در عمل نیز غلامی خود را به اثبات برساند، دعای روز غدیر در حق او مستجاب شده است و تحت رایت امام خویش با سلامت در دین بسر خواهد برد و حتماً آخرین لحظات زندگی شیرین ترین لحظات عمرش خواهد بود. آنگاه با سربلندی، خدمت مولایش خواهد رسید و لبخند رضای ایشان را به چشم خواهد دید.

خدا را قسم می دهیم به غدیری که نزد او بسیار عظمت دارد و به صاحب غدیری که هنوز در پس پرده غیبت بسر می برد که به همه ما توفیق عطا فرماید تا بتوانیم عهد و پیمانی را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از ما اخذ فرموده، به بهترین وجه ادا کنیم و همواره مطابق رضای مولایمان زندگی نماییم و بالاخره جان های خود را در راه او فدا کنیم.

اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی ممات محمد و آل محمد یا رب المؤمنین بحق المؤمنین اشف صدور المؤمنین بظهور الحجّة. آمین یا رب العالمین.

۱- کامل الزیارات، باب ۷۹، ح ۱۲.

{صفحه ۵۹}

پرسش ها:

۱- وظیفه نسل حاضر در قبال غدیر چیست؟

۲- محتوای اصلی پیام غدیر را بیان کنید.

۳- «بیعت» به چه معناست و چگونه محقق می شود؟

۴- آیا اقرار زبانی و دست دادن، شرط تحقق بیعت می باشد؟

۵- چگونه از مولویتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، لزوم بندگی ما نسبت به ایشان نتیجه می شود؟

۶- مالکیت و ولایت اهل بیت علیهم السلام چه تفاوتی با مالکیت و ولایت خدای متعال دارد؟

۷- تفاوت معنای لغت «عبد» و «عابد» چیست و کدامیک می تواند در مورد غیر خدا بکار رود؟

۸- سه مرتبه عبودیت در برابر اهل بیت علیهم السلام را توضیح دهید.

۹- مراد از خشوع بدنی در برابر امام علیه السلام چیست؟

۱۰- لوازم «اولی به تصرّف» دانستن امام علیه السلام چیست؟

{صفحه ۶۰}

- ۱۱- حزن و اندوهی که در این زمان با شادی عید غدیر آمیخته می شود از چه جهتی است؟
- ۱۲- چرا عدم پذیرش مولوت اهل بیت علیهم السلام سبب حبط اعمال و خلود در آتش می گردد؟
- ۱۳- دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام در روز غدیر از چه رو اهمیّت پیدا می کند؟
- ۱۴- در جملات پایانی دعایی که در روز غدیر وارد شده (اللّهُمَّ اِنِّی اسئَلُکَ بِالْحَقِّ الذی...) چه درخواست هایی از درگاه الهی داریم؟ (چهار مورد را ذکر کنید)

{صفحه ۶۱}

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.

و اگر شیعیان ما - که خدا بر طاعتش توفیقشان دهد - در وفای به عهد و پیمانی که بر عهده آنان است، همدل می شدند، برکت دیدار ما از آنها واپس نمی افتاد و سعادت مشاهده ما همراه با معرفت حقیقی و راستین برایشان پیش می افتاد.

بخشی از تویع امام عصر علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله علیه

احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
 - ۲- الاحتجاج، طبرسی
 - ۳- اسرار غدیر، محمد باقر انصاری
 - ۴- الاقبال، سید بن طاووس
 - ۵- بحار الانوار، علامه مجلسی
 - ۶- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی
 - ۷- جمال الاسبوع، سید بن طاووس
 - ۸- الکافی، مرحوم کلینی
 - ۹- کامل الزیارات، ابن قولویه
 - ۱۰- کمال الدین، شیخ صدوق
 - ۱۱- المعجم الوسیط
 - ۱۲- مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی
- {صفحه ۶۳}

سؤالات از متن کتاب «پیمان غدیر»

- ۱- این جمله از امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام درباره چه روزی است؟
- «آن بزرگترین عید خداوند است و خدای عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن که این روز را عید گرفته است؟»

الف) عید فطر

ب) عید قربان

ج) عید غدیر خم

(د) جمعه

۲- عبارت «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مِثَاقَ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ» در یکی از زیاراتی که از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام وارد شده آمده است. در این سلام چه کسی مخاطب کلام است که میثاق مؤکد و مأخوذ خداوند است؟

الف) امیرالمؤمنین علیه السلام

ب) امام زمان حجه بن الحسن علیه السلام

ج) امام حسین علیه السلام

د) عثمان بن سعید، نائب اول امام زمان علیه السلام

۳- کدام یک از جملات زیر در مورد آیه ششم سوره احزاب: «الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» صحیح نیست؟

الف) این آیه تنها در صدد بیان این نکته است که پیامبر از همه مؤمنین برتر و بالاتر است.

ب) در این آیه، با نصب الهی، مشخص می شود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به طور مطلق نسبت به مؤمنان از خودشان سزاواتر است.

ج) مؤمنان باید درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در همه امور خویش بر خواست خود ترجیح دهند.

د) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به همه دارایی های مؤمنان از خودشان سزاوارترند و ایشان می توانند هر گونه دخالتی در همه ابعاد زندگی مؤمنین داشته باشند.

{صفحه ۶۵}

۴- کدام یک از جملات زیر در معرفی حضرت حجه بن الحسن العسکری علیه السلام به عنوان حجت خدا و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خطابه غدیر توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده نیست؟

الف) الا ان خاتم الائمه منا القائم المهدي

ب) وَ هُوَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا

ج) إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكَمِهِ فِي خَلْقِهِ وَ آمِينَهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ

د) أَلَا إِنَّهُ الْبَابِيُّ حُجَّةٌ وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ

۵- کدام ترجمه از عبارت «مَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْاِئِمَّةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ وَ الشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ» صحیح است؟

الف) هر کس در مورد یکی از ائمه شک کند نسبت به همه آنها شک کرده و کسی که در مورد ما (اهل بیت علیهم السلام) شک کند در آتش خواهد بود.

ب) کسی که در مورد اولین امام شک کند در همه ائمه شک می کند و هر کس شک کند در آتش جهنم خواهد بود.

ج) هر کس در مورد یکی از ائمه شک کند در همه آنان شک خواهد کرد و هر کس از ما (اهل بیت علیهم السلام) شکایت کند در آتش خواهد بود.

د) هر کس در مورد یکی از ائمه شک کند در مورد همه آنان مشکوک می شود و هر کس شاکی باشد در آتش جهنم است.

۶- بیعت به معنی عهد و وثیق و پیمان مؤکد با خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام در کدام مورد تحقق می یابد؟

الف) تصمیم قلبی بر اطاعت فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علیه السلام و یاری نمودن او با تمام امکاناتش.

ب) اظهار زبانی به آنچه در زمان بیعت قصد نموده است.

ج) دست دادن با امام، که نشانه وقوع و تمامیت بیعت است (در صورت حضور در محضر امام)

(د) همه موارد

{صفحه ۶۶}

۷- از آنجا که تعداد افراد حاضر در غدیر خم بسیار زیاد بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ابتدا بیعتی به صورت اقرار زبانی منعقد کردند و کلمه القاء فرمودند و مردم تکرار نمودند. کدام یک از جملات زیر جزو این اقرار دسته جمعی می باشد؟

الف) إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ مِنْ الْإِثْمَةِ
ب) نُبَايِعُكَ عَلِيُّ ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيْدِينَا عَلِيُّ ذَلِكَ نُحْيِي وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نَبْعَثُ
ج) فَالْعَهْدُ وَ الْمِيثَاقُ لَهُمْ مَأْخُوذٌ مِنَّا مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ صَمَائِرِنَا وَ أَيْدِينَا.

(د) هر سه مورد جزو این اقرار بوده است.

۸- کدام یک از موارد ذیل لازمه «عبد بودن» نسبت به امام علیه السلام نمی باشد؟

الف) به طور کامل و مطلق از امام اطاعت شود.

ب) امام را در امور خود صاحب اختیار بداند.

ج) به ولایت امام اعتقاد داشته باشد.

(د) امام را عبادت کند.

۹- همان طور که بیان شد پیام اصلی غدیر «مولویت» امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام بر همه مؤمنین است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیر نتیجه سرپیچی از فرمان خداوند و شک نسبت به فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را چه چیزی معرفی می فرمایند؟

الف) کفر و ضلالت جاهلیت

ب) سوختن در آتش عذاب الهی

ج) مورد لعن و غضب الهی قرار گرفتن.

(د) همه موارد

۱۰- در دعای شریفی که برای روز غدیر نقل شده است و با عبارت «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ» آغاز می شود از خداوند درخواست هایی می کنیم. کدام یک از جملات زیر جزو این درخواست ها نیست؟

{صفحه ۶۷}

الف) از خدا می خواهیم که این روز را که در آن از ما پیمان دوستی و پیروی از اولیائش و بیزاری از دشمنانش گرفته است، بر ما مبارک گرداند.

ب) یاری دینت را به ما روزی فرما، در خدمت ولی هدایت کننده ای از خاندان پیغمبرت صلی الله علیه و آله و سلم

ج) ما را زیر پرچم او در شمار شهیدان راستینی که در راه تو و به خاطر یاری دینت کشته شده باشند قرار ده.

د) از تو می خواهیم که با نعمت بر ما منت گذاری و آن را نزد ما به طور امانت قرار دهی که تو فرموده ای: «پس قرار یافته است و امانت سپرده شده»

۱۱- مخاطبین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه روز غدیر در مورد پذیرش ولایت و بیعت با امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام چه کسانی بودند؟

الف) همه مسلمانان تا روز قیامت

- ب) همه حاضرین در صحرای غدیر در آخرین حج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ج) همه مسلمانان صدر اسلام
- د) همه مسلمانان و تمام کسانی که بخواهند در مسیر خداشناسی و دین داری حرکت کنند تا روز قیامت
- ۱۲- با قبول ولایت امام زمان علیه السلام چگونه فرد به «تقوی» و «ورع» می‌رسد؟
- الف) مؤمن سعی می‌کند در دین داری خود رضای امام زمان علیه السلام را کسب کند.
- ب) مؤمن اگر احتمال دهد امام از امری کراهت دارد هرگز به آن نزدیک نمی‌شود.
- ج) مؤمن برای کسب رضایت امام زمان علیه السلام قبل از نزدیک شدن به امور حرام متوقف می‌شود.
- د) همه موارد.

مسابقه کتابخوانی در سایت www.ketabkhani.com برگزار می‌گردد.
{صفحه ۶۸}

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

